

# دکتر راجر گرین، اصلاحات تا به امروز، سخنرانی ۵، جان کالوین

راجر گرین و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر راجر گرین هشتم در دوره تاریخ کلیسا، جلسه ۵ درباره جان کالوین

اساساً، بحث باید حول محور متون باشد. حالاً می‌توانیم از مدرسان سوال بپرسیم، اما واقعاً می‌خواهیم آنها را حول محور کتاب‌های درسی متمرکز کنیم و مطمئن شویم که هر آنچه را که باید از آن کتاب‌های درسی بیرون بکشیم، متوجه می‌شویم، باشه؟ پس شما می‌خواهید متون خود را به آن جلسات جمعه بیاورید.

بنابراین، هفته‌ی بعد هم همین کار را می‌کنیم. چهارشنبه، شما سه سوال به من می‌دهید، و جمعه، ما دوباره به لانه‌ی شیر برمی‌گردیم. تفاوت هفته‌ی بعد این است که من امتحان را هم هفته‌ی بعد با خودم می‌آورم، چون آن آخرین روزی است که قبل از امتحان، که دوشنبه است، با هم هستیم.

خب، من برگه امتحان را با خودم می‌آورم و مطمئن می‌شوم که تمام اطلاعات پایه‌ای‌تان را از آن امتحان کسب کرده‌اید. مطمئن شوید که شاید سوالاتی بوده که باید می‌پرسیدید و نپرسیده‌اید، و من آنجا هستم تا کمکتان کنم. بنابراین، اگر چیزی شبیه به این بگویم، ممکن است دوباره در طول زندگی‌تان این را ببینید، باید آن را به عنوان یک نکته در نظر بگیرید.

یعنی توی امتحانه. پس من اینجا تا جایی که می‌تونم کمکتون کنم. ما دقیقاً جایی هستیم که باید توی درس‌ها باشیم، پس از این بابت خوشحالیم.

بسیار خوب، بیایید دعا کنیم، و سپس شروع خواهیم کرد.

پروردگار مهربان ما، در آغاز هفته توقف می‌کنیم تا قلب‌ها، ذهن‌ها و توجه خود را به سوی تو، بخشنده همه خوبی‌ها و کسی که این رسالت را به عنوان دانش‌آموز به ما عطا کردی، معطوف کنیم. و ما دائماً دعا می‌کنیم که در این رسالت کوشا باشیم زیرا این امر باعث افتخار تو و همچنین خودمان می‌شود.

بنابراین، ما از تو به خاطر خودت سپاسگزاریم، و از تو به خاطر آشکار شدن کامل و بی‌نقص خودت در مسیح، که از طریق روح‌القدس و کتب مقدس به تو خدمت شده است، سپاسگزاریم. ما از این بابت، سپاسگزاریم. و همچنین از تو به خاطر افرادی که به پادشاهی خدا، به کلیسا و به اعلام انجیل وفادار بودند، سپاسگزاریم.

گاهی اوقات، در زمان‌های رنج‌های بزرگ، به جان کالوین فکر می‌کنیم و از شما به خاطر زندگی و خدمت‌ش سپاسگزاریم. و دعا می‌کنیم که در مطالعه‌ی آن زندگی و خدمت، با ما باشید و سعی کنیم آن را در زمانه‌ای که او می‌زیست و اینکه چرا گفتن آنچه او گفته است بسیار مهم بوده است، درک کنیم. بنابراین، از کسانی که امروز بر دوش آنها ایستاده‌ایم، سپاسگزاریم.

بنابراین، برای یکدیگر، برای این هفته‌ی پیش رو، دعا می‌کنیم که تمام نشانه‌های فیض در زندگی‌مان، چه در زندگی شخصی‌مان و چه در زندگی مشترکمان، وجود داشته باشد. دعا می‌کنیم که شما چهارشنبه و جمعه بدون این کلاس، اما با مسئولیت‌های دیگر، در کنار این دانش‌آموزان باشید و به لطف شما، این هفته، هفته‌ی خوبی برای آنها باشد. بنابراین، ما با خوشحالی این موارد را به نام مسیح، پروردگارمان، دعا می‌کنیم. آمین.

بسیار خب. خب، این سخنرانی دوم است، الهیات جان کالوین.

فقط به عنوان یادآوری، صبح دوشنبه، فکر می‌کنم شروع کردنش برای صبح دوشنبه سخت است، اما به عنوان یادآوری، ما با زندگی او شروع کردیم، فقط برخی از نکات برجسته زندگی کالوین. من این کار را با شاید چهار یا پنج نفر از افراد واقعاً مهم در این دوره انجام می‌دهم تا آنها را در زمینه، زمان و غیره قرار دهم. کتاب درسی شما نیز تا حدودی این کار را انجام می‌دهد، بنابراین این برای شما مفید است.

و بعد درباره کارش صحبت کردیم. در دوران خدمتش چه کار می‌کرد؟ و سه یا چهار نکته درباره کارش ذکر کردیم. اول اینکه، اشاره کردیم که او به نوعی یک مدافع حقوق مردم، به نوعی میانجی بین دیدگاه‌های مختلف، به ویژه در میان اصلاح‌طلبان، بود و به نوعی در میانه قرار می‌گرفت.

او شخصیت لوتر، که بسیار ثروتمند بود، را نداشت. لوتر سازمان‌یافته نبود و یک جنگجو و جنگجوی بی‌باک بود. کالوین اینطور نبود؛ او بیشتر نقش میانجی را ایفا می‌کرد. همچنین اشاره کردیم که او سعی کرد از ژنو به عنوان نوعی شهر خدا، شهری نمونه برای اصلاحات، استفاده کند.

او آکادمی ژنو را تأسیس کرد. فکر می‌کنم این در یادداشت‌های شما هست. امیدوارم که اینطور باشد، اما او آکادمی ژنو را تأسیس کرد، و آنجا جایی بود که مردم می‌آمدند و الهیات و ایده‌های اساسی اصلاحات را مطالعه می‌کردند، که می‌توانستند آنها را به خانه‌های خود ببرند.

سیستم‌اتیزه‌کننده «را دوست ندارند. من فکر نمی‌کنم این کلمه اشکالی داشته باشد»

من فکر می‌کنم او یک نظام‌دهنده خوب، یک سازمان‌دهنده خوب الهیات بود. بنابراین او آنچه را که از افرادی مانند لوتر، که یک نظام‌دهنده سازمان‌یافته نبود، آموخته بود، گرفت و آن را به نظم درآورد. او به ما می‌گوید که نهادها یک حساب منظم هستند.

بنابراین او این کار را کرد. او همچنین به ما کمک می‌کند تا اصول الهیات، به خصوص چگونگی سازماندهی الهیات و چگونگی پرداختن به الهیات را درک کنیم. روزی، ما مؤسسات را خواهیم آورد و از همان ابتدای مؤسسات خواهیم خواند.

تمام حکمتی که ما داریم، یعنی حکمت حقیقی و درست، با شناخت خدا و خودمان آغاز می‌شود. اینگونه است که او تصمیم گرفت به صورت روش‌شناختی به الهیات پردازد. ما درباره خدا می‌دانیم، درباره خودمان می‌دانیم، و سپس بقیه کتاب در تلاش است تا آن شناخت از خدا و خودمان را آشکار کند.

خب، این قطعاً در مورد کارش هم صدق می‌کرد. خب. حالا، آیا تا اینجا، در مورد زندگی او، در مورد کارش، سوالی هست؟ آیا همه ما با این موضوع کنار آمده‌ایم؟ خب.

حالا می‌خواهیم به الهیات او پردازیم. و با الهیات او، کاری که قرار است انجام دهیم این است که سعی کنیم پنج عنصر الهیات او را که در واکنش به کلیسای کاتولیک روم و کاتولیسیسم قرون وسطایی که با آن مواجه شد بسیار مهم بودند، انتخاب کنیم. بنابراین ابتدا، می‌توانید ببینید که اگر از طرح کلی صفحه ۱۲ استفاده می‌کنید، ابتدا مقدمه‌ای ارائه خواهیم داد.

سپس، از دوم تا ششم، پنج حوزه الهیاتی برای جان کالوین خواهد بود. پس بیایید مقدمه‌ای ارائه دهیم. در واقع، چند نکته وجود دارد که باید به عنوان مقدمه بگویم.

خب، اگر در این مورد با من همراه باشید، بسیار خب. اول از همه، به عنوان مقدمه، چهار شاخه کاملاً متمایز از اصلاحات مذهبی وجود دارد.

و ما فقط می‌خواهیم ببینیم که او در کجای این ماجرا قرار می‌گیرد. خب، شاخه لوتری اصلاحات وجود دارد. ما زیاد در مورد آن صحبت نمی‌کنیم.

ما کمی به لوتر اشاره کردیم، اما این به نوعی شاخه آغازین اصلاحات مذهبی است. شاخه کالوینیستی اصلاحات مذهبی وجود دارد که قرار است در این دوره مورد توجه ما قرار گیرد. ما در مورد الهیات او صحبت کردیم.

اصلاحات انگلیسی در زمان افرادی مانند هنری هشتم وجود دارد. از آنجا شروع شد. و ما در واقع قرار است در مورد اصلاحات انگلیسی سخنرانی کنیم و سعی کنیم بفهمیم که در آنجا چه اتفاقی افتاده است.

چهارم، جناح آناباپتیست اصلاحات دینی وجود دارد که جناح چپ اصلاحات یا جناح رادیکال اصلاحات نامیده می‌شود. ما به آن اشاره خواهیم کرد. در این دوره آموزشی، وقت زیادی برای ارائه تاریخچه آناباپتیست نمی‌گذاریم، اما به آن اشاره خواهیم کرد.

مطمئناً، کتاب‌های درسی شما هم به این موضوع اشاره می‌کنند. اما اینها چهار شاخه‌ی متمایز اصلاحات هستند که می‌خواهیم به خاطر بسپاریم. بسیار خب، حالا نکته‌ی بعدی که می‌خواهم به عنوان مقدمه انجام دهم این است که می‌خواهم به تأثیرات جان کالوین بر آنها نگاهی بیندازم.

چه چیزی او را تحت تأثیر قرار داد؟ چه چیزی او را در جهت الهیاتش سوق داد؟ و این موارد به هیچ ترتیب اهمیتی ندارند. این موارد دقیقاً همانطور که به ذهن خطور می‌کنند، آورده شده‌اند. خب، اولین چیزی که او را تحت تأثیر قرار داد و به او انگیزه داد، شاخه‌ای از فلسفه به نام نومیالیسم بود.

حالا، یکی از کارهایی که می‌خواهیم در این دوره انجام دهیم این است که مدام از خودمان پرسیم، رابطه فلسفه و الهیات چیست؟ آنها چگونه با یکدیگر ارتباط دارند؟ چگونه با یکدیگر صحبت می‌کنند؟ یا آیا رابطه‌ای بین فلسفه و الهیات وجود دارد؟ شاید فلسفه و الهیات باید جداگانه‌تر دیده شوند. با این حال، جان کالوین در مورد فلسفه و در مورد نومیالیسم بسیار آگاه بود. بسیار خب، حالا می‌توانیم تمام ۱۶، ۱۵، ۱۴ هفته آینده خود را صرف نومیالیسم کنیم.

نومیالیسم بسیار، چه بگوییم، پیچیده است. بنابراین اساساً، نومیالیسم یک جنبش فلسفی به نام روش مدرن بود که به یک معنا در مقابل واقع‌گرایی که توسط افرادی مانند افلاطون توسعه یافته بود، قرار داشت. نومیالیسم یک جنبش فلسفی بود که واقعاً راه را از نظر فلسفی برای علوم هموار کرد، شکی در این مورد نیست.

حال، تنها چیزی که در مورد نومیالیسم برای ما جالب است این است که نومیالیست‌هایی که گرایش الهیاتی داشتند، در مورد اراده مطلق خدا صحبت می‌کردند. و آنها در مورد اراده مطلق خدا طوری صحبت می‌کردند که گویی به خودی خود کامل است. یک اراده مطلق خدا وجود داشت.

و این دیدگاه نسبتاً تندی نسبت به خدا بود، به طوری که کالوین احساس می‌کرد. او تحت تأثیر نام‌گرایی بود، اما کالوین می‌گفت، می‌دانید، درک خدا واقعاً باید تا حدودی با عدالت خدا، حکمت خدا و عشق خدا واسطه‌گری شود. خدا به طور خودسرانه حاکم نیست.

و کسانی بودند که به اصالت اسم معتقد بودند و می‌گفتند خدا حاکم مطلق است و نوعی خودسری در آن وجود دارد که ما هرگز نمی‌توانیم آن را درک کنیم، بنابراین حتی نباید تلاشی برای آن بکنیم. کالوین اصلاً این حرف را باور نکرد. کالوین گفت اگر نفهمید که چگونه اراده حاکم خدا از طریق حکمت او، از طریق عشق او، از طریق لطف او و از طریق عدالت او عمل می‌کند، هرگز آن را درک نخواهید کرد.

نوعی اصلاح نومیالیسم توسط کالوین وجود دارد. اما او مطمئناً تحت تأثیر نومیالیسم، تحت تأثیر فلسفه بود و مایل بود از فلسفه در شکل‌دهی به الهیات خود استفاده کند. اما مواقعی بود که او مجبور بود بگوید، اینجاست که من از دیگر نومیالیست‌هایی که متکلم هستند، متمایز می‌شوم.

فکر می‌کنم آنها اشتباه می‌کنند که در مورد اراده‌ی حاکم خدا طوری صحبت می‌کنند که انگار آن اراده‌ی حاکم خدا نوعی اراده‌ی حاکم مطلق است. خب، پس نومیالیسم یکی از تأثیرات است، درست است؟ تأثیر دوم به دلیل پیشینه‌ی فرانسوی او بود. در نوشته‌های او دقتی وجود داشت که مثلاً در نوشته‌های لوتر پیدا نمی‌کنید.

در جان کالوین وضوح فکری و وضوح بیانی وجود داشت که در مارتین لوتر پیدا نمی‌کنید. آیا اتفاقاً کسی از شما دانشجوی زبان‌شناسی است؟ من که قطعاً نیستم. اما فکر می‌کنم وقتی فرانسوی می‌خوانید، وضوح، بیشتری نسبت به وقتی که آلمانی می‌خوانید، به خصوص وقتی که نوشته‌های متکلمان آلمانی را می‌خوانید، وجود دارد.

وقتی نوشته‌های متکلمان آلمانی را می‌خوانید، گاهی اوقات از یک صفحه شروع می‌کنید و هنوز یک جمله را یک صفحه بعد یا بیشتر می‌خوانید. می‌تواند پیچیده و پیچیده باشد. اما زبان کالوین شفافیت دارد، و زبان لوتر اینطور نبود، شکی در این نیست.

خب، این شماره دو است. خب، شماره سه. شماره سه این است که او بدون شک تحت تأثیر اومانیسیم است.

حالا، بیا بید اومانیسیم را در آن دنیای قرون وسطایی تعریف کنیم. به یاد داشته باشید که انسان... این لزوماً اصطلاح بدی نیست. اومانیسیم نوعی ارزیابی مجدد، درک مجدد یونانیان و رومی‌ها، و تفکر یونانی و رومی، و فیلسوفان یونانی و رومی، و نویسندگان یونانی و رومی و غیره بود.

بنابراین، اومانیسیم به نوعی سعی در ایجاد آن داشت... در این معنا، یک بازفهمی، یک مرتب‌سازی مجدد و یک ارزیابی مجدد داشته باشید. و به یک معنا، می‌توان گفت که فرهنگ کالوین، فرهنگ اومانیسیم بود. او قطعاً اومانیسیم را در دانشگاه‌هایی که رفت و در آنجا تحصیل کرد، آموخت و شکی در این مورد نیست.

بنابراین، اکنون چیزی که می‌خواهیم در مورد اومانیسیم به آن توجه کنیم این است که کالوین فرهنگ و کلیسا را لزوماً در تضاد با هم نمی‌دید. بنابراین، چیزهایی وجود دارد که می‌توان از فرهنگ آموخت. چیزهایی وجود دارد که کلیسا می‌تواند از فرهنگ بیاموزد.

اگر کلیسا واقعاً می‌خواهد با فرهنگ صحبت کند، چیزهایی وجود دارد که می‌تواند از فرهنگ بیاموزد. می‌توان با فرهنگ گفتگو کرد. او کاستی‌های فرهنگ را تشخیص داد.

اگر فرهنگی وجود دارد که سعی می‌کند بدون ارجاع به خدا یا ارجاع به مسیح یا ارجاع به کلیسا شکل بگیرد، او، کاستی‌های اومانیسیم و فرهنگ را تشخیص می‌دهد. اما او کسی نبود که بگوید فرهنگ کاملاً رو به زوال است.

کلیسا کاملاً خوب است، فرهنگ کاملاً رو به زوال است و این دو نباید با هم صحبت کنند. بنابراین باید به این نکته توجه کنیم.

او از انسان‌گرایی چیزهای زیادی آموخت. او در مورد یونانیان و رومی‌ها بسیار آگاه است. پس این سومین نکته است.

بسیار خوب، ما چند روز پیش به مورد چهارم اشاره کردیم، اما من فقط اینجا به آن اشاره می‌کنم چون از نظر تأییراتی که بر او گذاشته شده، به خصوص در نوشتن الهیاتش، او در رشته حقوق آموزش دیده بود. او مانند یک وکیل استدلال می‌کند. او استدلال بسیار دقیق، سنجیده و دقیقی برای ارائه به خاطر انجیل دارد.

و به شما می‌گویم که بحث کردن با کالوین خیلی سخت است. چه با او موافق باشید چه نباشید، استدلال‌های او گاهی اوقات محکم و از نظر قانونی دقیق هستند. پس این مورد چهارم است.

البته، شماره پنج، اصلاحات مذهبی خواهد بود که بسیار تحت تأثیر اصلاحات مذهبی قرار گرفته است. و ما اشاره کردیم که وقتی او برای تحصیل به پاریس رفت، یکی از اولین افرادی که آثارش را می‌خواند، لوتر بود. و من فکر نمی‌کنم شکی باشد که لوتر حتی تا حدی مسئول تغییر مذهب کالوین بوده است.

او بسیار مجذوب لوتر و آنچه در دوران اصلاحات گفته می‌شد، و آنچه در آن دوران در جریان بود، شده بود. ما همچنین در مورد افراد دیگری که قبلاً در طول اصلاحات بر او تأثیر گذاشته بودند صحبت کرده‌ایم. بسیار خوب، فقط دو تأثیر دیگر.

شاید باید این را برای آخرین بار نگه می‌داشتم تا نشان دهم چقدر مهم است، اما خوب، البته که کتاب مقدس است. او مرد کلام بود. او مرد کتاب مقدس بود.

بنابراین، کتاب مقدس مهمترین تأثیر را بر جان کالوین گذاشت. اول و مهمتر از همه، کالوین مفسر کتاب مقدس است. هر نظر دیگری که در مورد جان کالوین داشته باشید، او شخصی بود که کتاب مقدس را تفسیر می‌کرد و غیره.

بسیار خوب، و آخرین مورد چیزی است که من همین الان در یادداشت‌هایم و سایر منابع ادبی‌ام نوشته‌ام. او بسیار تحت تأثیر سنت آگوستین، بسیار تحت تأثیر سنت توماس آکویناس است. ما قبلاً اشاره کردیم که او چقدر تحت تأثیر لوتر بوده است.

اما منابع ادبی زیادی به او می‌رسند، و بیشتر اینها منابع الهیاتی هستند که او می‌خواند، اما منابع ادبی زیادی به شکل‌گیری خوانش او کمک می‌کنند. خوب، این فقط یک مقدمه است. و بعد یک چیز دیگر هم هست که باید بگویم تا همه اینها را معرفی کنم، و این همان چیزی است که او را به نوشتن «نهادها» ترغیب کرد.

می‌خواهم فقط دلایلی ارائه دهم که او کتاب «مؤسسات» را نوشت، چون این کتاب تبدیل به کار اصلی زندگی‌اش شد. منظورم این است که او مطالب بسیار دیگری هم نوشته است، اما کتاب «مؤسسات» چیزی است که ما در اینجا برای الهیات او به آن علاقه‌مندیم. خوب، بدیهی است که روح‌القدس او را برانگیخت، اما در اینجا چند دلیل اساسی وجود دارد.

خوب، و او همه اینها را در کتاب «مؤسسات» می‌گوید، بنابراین لازم نیست حدس بزنید. او در بیان همه «این مطالب خیلی خوب است. اما دلیل اصلی نوشتن کتاب «مؤسسات» این بود که می‌خواست «مؤسسات» کلید فهم کتاب مقدس باشند.

تا جایی که به او مربوط می‌شد، کتاب «مؤسسات» نوعی کلید هرمنوتیکی برای چیزی بود که او آن را درک خوب و درست از کتاب مقدس می‌نامید. بنابراین او می‌خواهد مردم کتاب «مؤسسات» او را بخوانند؛ او می‌خواهد مردم کتاب مقدس و کتاب‌های «مؤسسات» را اینجا داشته باشند، کتاب‌های «مؤسسات» را به عنوان راهی برای گشودن کتاب مقدس به روی خود بخوانند. بنابراین، این کلید فهم کتاب مقدس است.

، این یکی از دلایلی است که او این مطالب را می‌نویسد. بله، بله، به نوعی، منظورم این است که، به یک معنا هر دو است، و چون وقتی در کتاب «مؤسسات» به یک منبع کتاب مقدس اشاره می‌کند و آن منبع را توضیح می‌دهد، دوست دارد مردم آن منبع را در متن نیز بخوانند.

بنابراین احتمالاً هر دو مورد است، و به جای اینکه ابتدا کل کتاب مبادی را بخوانید، که به یک کتاب دو جلدی تبدیل شد و سپس کتاب مقدس خود را بخوانید. احتمالاً هر دو مورد است؛ احتمالاً با هر دو ادامه دهید. زیرا، همانطور که او توضیح می‌دهد، دوست دارد شما به آن متن نگاه کنید.

یه چیز دیگه اینجا هست، اون دلیل اول، باز کردن کتاب مقدس برای مردم. خب. دلیل دوم چیزیه که اون بهمش گفت، من دارم مجموع دین رو بیان می‌کنم.

من خلاصه‌ای از دین ارائه می‌دهم. من مهم‌ترین نکات دین را بیان می‌کنم. منظور او از دین، مسیحیت بود.

منظور او دین به طور کلی نبود، اما او مجموعه‌ای از دین را مطرح می‌کند. او آن را مرتب می‌کند و خلاصه‌ای به شما می‌دهد. مهم‌ترین چیز در دین چیست؟ مهم‌ترین چیز چیست، کلمه مسیحیت را جایگزین کنید؛ مهم‌ترین چیز در مسیحیت که باید بدانید چیست؟ خب، او احساس می‌کرد اگر کتاب «نهادها» را بخوانید، تا حدودی متوجه می‌شوید.

بسیار خب. سوم اینکه، این مؤسسات قطعاً نوعی... این زبانی است که در کالج گوردون می‌شنوید، اما نوعی نظم جهانی مسیحی، یک فلسفه مسیحی، اینکه شما به عنوان یک مسیحی چگونه باید به جهان و آنچه در جهان است نگاه کنید. بنابراین، نظم جهانی مسیحی، دیدن جهان به شیوه‌ای مسیحی، درک جهان از طریق عینک مسیحی.

مطمئناً، این برای جان کالوین مهم بود. بنابراین، این یک فلسفه مسیحی است که اینجا مطرح می‌شود. بسیار خب.

چهارم اینکه این یک اثر عذرخواهی است. شکی نیست. کالوین در حال دفاع است و او یک مدافع خوب است.

، او مدافع ایمان مسیحی است، اما مدافع ایمان مسیحی آنطور که در اصلاحات دینی فهمیده می‌شود. بنابراین او از اصول اصلاحات، هرمنوتیک اصلاحات و غیره برای دفاع از ایمان مسیحی استفاده می‌کند. شکی نیست که این یک دفاعیه است.

این اثر یک دفاعیه است. شکی در آن نیست که این یک دفاع از ایمان است. پس، بسیار خب.

و در نهایت، واقعاً یک مقدمه بشارتی، یک دلیل بشارتی برای نوشتن کتاب وجود دارد. کالوین به ما می‌گوید که می‌خواهد با نوشتن این کتاب به گمشدگان برسد. با این حال، این کمی تغییر کرده است.

پس بگذارید فقط به شما نشان دهم که چگونه این تغییر کرد. او اولین نسخه را در سال ۱۵۳۶ نوشت. اولین نسخه از کتاب «مؤسسات» قطعاً برای افرادی نوشته شده بود که چیزی یاد نگرفته بودند، برای افرادی که چیز زیادی در مورد کتاب مقدس یا کلیسا نمی دانستند.

این کتاب بسیار بشارتی بود و سعی داشت آنها را به ایمان به مسیح و ورود به کتاب مقدس، عضویت در کلیسا و غیره هدایت کند. بنابراین، نسخه ۱۵۳۶ کتاب «مؤسسات» به همان روش بسیار ابتدایی، بشارتی بود و سعی می کرد پیام مسیح را به مردم برساند و غیره. حال، در نسخه های بعدی، با توسعه بیشتر و بیشتر کتاب «مؤسسات»، مطالب واقعاً برای کشیشان و معلمان کلیسا نوشته شده بود تا به آنها کمک کند درک کنند که چگونه می توانند از این مطالب استفاده کنند و مبشران خوبی باشند.

چطور کشیشان و معلمان می توانند... بنابراین، مطالب بسیار پیچیده تر می شوند. هرچه او بیشتر در مورد مؤسسات «می نویسد، استدلال بسیار جزئی تر می شود. بنابراین، او می داند که نسخه های بعدی «مؤسسات» برای کسی که چیزی در مورد مسیحیت نمی داند، جذاب نخواهد بود».

آن شخص قرار نیست اصول و مبانی را درک کند. اما کشیش و معلم برای انجام وظیفه خود و تبدیل شدن به مبلغان خوب، مجهزتر خواهند بود. بنابراین، در ابتدا یک هدف بشارتی وجود دارد، تقریباً برای افراد بی سواد، اما سپس با پیشرفت او، این هدف برای کشیشان و معلمان و غیره است و آنها به مبلغان تبدیل می شوند.

اما بدون شک یک هدف بشارتی وجود دارد. بنابراین، و ما می خواهیم فقط به این نکته آخر در مورد مقدمه به طور کلی توجه کنیم که کالوین مطالب زیادی غیر از کتاب «نهادها» نوشت. بنابراین، کالوین موعظه هایی نوشت و منتشر کرد.

او کتاب های پرسش و پاسخ (کاتشسیسم) منتشر کرد. او تفاسیری بر کتاب مقدس منتشر کرد. ما قصد داریم بر روی «مؤسسات» تمرکز کنیم، اما باید به خاطر داشته باشیم که نوشته های او حجیم است.

خب، او واقعاً آدم قابل توجهی بود. باشه، آره، جسی. جسی، وقتی گفتی یه اثر دفاعیه، آیا این یه جور دفاعه؟ اغلب از کاتولیک رومی دفاع می کنه، درسته؟

او ایمان آورد، و به یاد داشته باشید که کلیسا را ترک کرد، یا اینکه او کلیسا را ترک نکرد، کلیسا او را ترک کرد. بنابراین، این واقعاً کلیسای حقیقی نبود. کلیساهای محلی وجود داشتند؛ در مورد این صحبت خواهیم کرد، در واقع، کلیساهای کاتولیک محلی وجود داشتند که او احساس می کرد بخشی از کلیسای حقیقی هستند بدون شک.

اما او مجبور شد کلیسای سلسله مراتبی را ترک کند تا در کلیسای حقیقی بماند. بنابراین، این یک عذرخواهی و دفاعی در برابر آنچه او فرسایش ایمان کاتولیک می دانست، بله، است. بنابراین، بدون شک او با کلیسای کاتولیک رومی درگیر شد.

نکته ی دیگری که در اینجا مطرح می شود، این است که چرا او این کار را انجام می دهد، چه چیزی او را به انجام این کار ترغیب می کند و چه چیزی او را به انجام این کار ترغیب می کند. بسیار خوب، بیایید در اینجا به الهیات او نگاهی بیندازیم، همانطور که او سعی می کند با کلیسا صحبت کند. و ما با الهیات او در مورد بشریت شروع خواهیم کرد.

من از این زبان استفاده می‌کنم چون این زبان در کتاب «مؤسسات الهیات بشر» است. و خواهیم دید که آیا می‌توانیم آن را بفهمیم. حالا یادتان باشد، به مورد دوم، دکترین بشر، و به مورد سوم، دکترین خدا نگاه کنید.

به یاد داشته باشید که خود کالوین چه گفت: تمام حکمتی که ما داریم، یعنی حکمت حقیقی و حاکم، با درک خدا و خودمان آغاز می‌شود، اما تشخیص اینکه کدام یک اول می‌آید دشوار است. بسیار خوب، ما حرف او را قبول داریم و با دکترین نوع بشر او شروع می‌کنیم و سپس به دکترین خدا می‌رسیم. می‌توانستیم با دکترین خدا شروع کنیم و سپس به دکترین نوع بشر، نوع بشر، برسیم.

بنابراین، ما فقط حرف کالوین را قبول می‌کنیم؛ ما فقط از روش خودش در انجام این کار استفاده می‌کنیم. پس، بیایید با خودمان شروع کنیم. بسیار خوب، اول از همه، اجازه دهید چند کلمه بگویم، و بعد آنها را اینجا خواهیم داشت.

اوه، من واقعاً اینجا با نومی‌نالیسم مواجه شدم. آیا شما نومی‌نالیسم را درست هجی کردید؟ من واقعاً اینجا با آن مواجه شدم. بسیار خوب، اولین کاری که باید انجام دهیم این است که بفهمیم کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی چگونه به بشر نگاه می‌کرد.

. quod in seest. یافت *facere* درک آنها از نوع بشر، بشریت چه بود؟ خوب، این را می‌توان در عبارت خوب، و ما اینجا از کلمات و عبارات زیادی مثل لاتین یا چیزی شبیه به آن استفاده نخواهیم کرد، اما فقط با *quod in seest* (به معنی شهر *Facere*) آنها را که استفاده می‌کنیم آشنا خواهید شد.

یعنی کاری را که در توست انجام بده. و این نوعی «*quod in seest*» به معنای واقعی کلمه، چهره انسان‌شناسی قرون وسطایی بود، مبنی بر اینکه انسان‌ها هنوز خوبی را در خود دارند، بنابراین می‌توانند کاری را *facere quod in seest*، که در آنها هست انجام دهند، کار درستی را که در آنها هست انجام دهند. بنابراین هر کاری که از دستت برمی‌آید انجام بده، کار درستی که به عنوان یک انسان از عهده‌اش برمی‌آید را، *seest* انجام بده. تو هنوز کمی خوبی در خودت داری، پس همان را انجام بده.

بسیار خوب، این الهیاتی است که کالوین به عنوان یک کاتولیک رومی خوب شناخته می‌شد. او با این طرز فکر تربیت می‌شد. کالوین از راه می‌رسد و این را انکار می‌کند؛ او می‌گوید این درست نیست.

تو نمی‌توانی کاری را که در وجودت هست انجام دهی. انسان‌ها نمی‌توانند کاری را که در وجودشان هست انجام دهند. چرا؟ به خاطر گناه نخستین.

بنابراین، برای کالوین، منظورش از گناه نخستین این است که همه ما در گناه آدم شریک هستیم، و کلمه‌ای که او در آموزه‌هایش استفاده می‌کند این است که تصویر خدا در ما مثله شده است. بنابراین، تصویر خدا در ما مثله شده است. حالا، اگر در جاده رانندگی می‌کنید و چیزی در جاده هست که بارها از روی آن رد شده و واقعاً مثله شده است، تقریباً نمی‌توانید بگویید که چیست، می‌دانید.

خوب، این برداشت کالوین از گناه نخستین بود: تصویر خدا در ما خدشه‌دار شده است، بسیار خوب. و، بنابراین، از نظر کالوین، نوع معنوی ما، یعنی «آنچه را که می‌توانی انجام دهی»، یعنی استعدادها معنوی برای کالوین کاملاً از دست رفته‌اند. از نظر کالوین، وقتی صحبت از زندگی معنوی می‌شود، هیچ امکانی برای آنچه در تو هست انجام بده «وجود ندارد، زیرا تصویر خدا در ما خدشه‌دار شده است».

با این حال، همانطور که کالوین به ما یادآوری می‌کند، سنت آگوستین به ما یادآوری کرد، و کالوین به ما یادآوری کرد که ما استعدادها طبیعی داریم. ما توانایی استدلال، تفکر و صحبت کردن را داریم، و می‌دانید

، اینها استعدادهای طبیعی هستند که فاسد شده‌اند اما ناقص نشده‌اند. بنابراین، اگرچه ما سقوط کرده‌ایم، اگرچه فاسد شده‌ایم، اگرچه دیگر تصویر خدا را نداریم زیرا در ما ناقص شده است، اما هنوز می‌توانیم دو را با دو جمع کنیم و چهار شود، یا هنوز می‌توانیم زمین خود را کشت کنیم یا هنوز می‌توانیم گاهی اوقات با همسایه خود خوب باشیم، می‌دانید، یک کار خوب، یک عمل خوب انجام دهیم.

باشه، اما این توانایی انجام کاری که در وجود شماست، شما توانایی انجام کاری که در وجودتان هست را به معنای معنوی آن ندارید. شما می‌توانید بعضی کارها را به معنای طبیعی آن انجام دهید، اما حتی آن هم فاسد شده است. بنابراین حتی کالوین هم نسبت به آنچه که به معنای طبیعی آن قادر به انجام آن هستید، دیدگاه بدبینانه‌ای داشت، باشه؟ خوب، برای کالوین، زندگی اساسی مردم از اینجا به بعد در زندگی‌شان، زندگی روزمره‌شان، اساساً برای کالوین، این است که مردم زندگی خود را در شورش کامل علیه خدا می‌گذرانند.

این اتفاقی است که برای توده مردم می‌افتد. آنها کاری را که باید انجام دهند، کاری که باید انجام دهند، انجام نمی‌دهند، زیرا نمی‌توانند آن را انجام دهند. آنها از انجام آن ناتوانند. آنها زندگی خود را در طغیان علیه خدا می‌گذرانند و بنابراین، هیچ عذری برای آن اعمال ندارند.

خب، و ریشه همه اینها برای کالوین اساساً غرور است. غرور چیزی است که ما را از شناخت خودمان و شناخت خدا آنطور که باید باز می‌دارد. و فقط برای اینکه متوجه منظور شوید، او آن را غرور بدبو نامید.

بنابراین غرور چیزی است که واقعاً ما را از شناخت خود و شناخت خدا باز می‌دارد. بنابراین ما زندگی خود را با این روش غرورآمیز در حال طغیان علیه خدا سپری می‌کنیم، و این هم از آن. خب، حالا، مسئولیت اینجا کجا مطرح می‌شود؟ آیا من به عنوان فردی که به این شیوه زندگی می‌کنم، مسئولیتی دارم که کالوین به نوعی انسان‌شناسی خود را ترسیم کرده است؟ نه مانند کاتولیک رومی، درخواست صریح در نگاه کردن، بلکه انسان‌شناسی که گناه نخستین است، پر از گناه نخستین، غرور متعفن، ما در حال طغیان علیه خدا و همه چیز هستیم.

آیا من مسئولیتی دارم؟ من صبح یکشنبه برای شنیدن موعظه کالوین به ژنو می‌روم. مسئولیت من چیست؟ اولین مسئولیت من این است که خودم را گناهکاری در شورش علیه خدا ببینم و به آن گناهان اعتراف کنم. اولین مسئولیت شنونده انجیل این است که گناهان خود را بپذیرد و به آنها اعتراف کند.

چون اگر من مسئولیت اعتراف به گناهکار بودن خودم و اعتراف به گناهانم را به عهده نگیرم، هرگز خودم را نخواهم شناخت و هرگز خدا را نخواهم شناخت. بنابراین، از نظر کالوین، شما این مسئولیت را بر دوش خود می‌گیرید. شما به گناهان خود اعتراف می‌کنید و تأیید می‌کنید که گناهکار هستید.

این آغاز خودشناسی است. خب، آن روز در دنیای قرون وسطی کمی ضدفرهنگ بود، اما واقعاً ضدفرهنگ است. مطمئناً این یک پیام ضدفرهنگی در دنیای ماست، اینطور نیست؟ منظورم این است که در دنیای ما آیا مردم قبل از هر چیز خودشان را اینگونه می‌بینند؟ اول صبح، آنها خودشان را گناهکاری می‌دانند که علیه خدا شورش کرده‌اند.

فکر نمی‌کنم مردم در دنیای ما اینطور در مورد خودشان فکر کنند. فکر نمی‌کنم آنها مسئولیت این را بپذیرند که خودشان را افرادی بدانند که در برابر خدا طغیان کرده‌اند. البته پاسخ کالوین به این سوال این بود که تا وقتی این کار را نکنی، نمی‌توانی؛ خدا تو را حفظ کند؛ تا وقتی این کار را نکنی، نمی‌توانی خودت را بشناسی.

وقتی این کار را انجام دهید، شروع به داشتن نوعی خودآگاهی و خودشناسی واقعی می‌کنید و این شما را به شناخت خدا می‌رساند. و سپس، هر چه بیشتر درباره خدا بدانید، بیشتر درباره خودتان خواهید دانست. بنابراین، برای کالوین، این کاملاً حیاتی است.

خب، همه چیز از اینجا شروع می‌شود. حالا، وقتی صحبت از این دکترین بشریت می‌شود، کالوین معتقد بود که، آیا لازم است با این میکروفون کاری انجام دهیم؟ نه، باشه، باشه. وقتی صحبت از دکترین بشریت می‌شود، کالوین معتقد بود که هر کسی می‌تواند این دکترین را وقتی از منبر موعظه می‌شود، درک کند.

هیچ کس نیست که نتواند این را بفهمد. همه می‌توانند بفهمند. لازم نیست آدم باشید، و لازم نیست مسیحی خوبی باشید تا این پیام را بفهمید.

این [مطلب] برای همه قابل فهم است. بنابراین، هیچ شکی در این مورد برای کالوین وجود ندارد. و تا جایی که به او مربوط می‌شود، همه باید به صراحت در این مورد آموزش ببینند.

بنابراین، او می‌خواست مردم ژنو، همه شهروندان، به کلیسا بروند، زیرا اگر خودشان را به درستی نشناسند، چگونه می‌توانند شهروند خوبی باشند؟ خب، خب، این اولین چیز است، دکترین بشریت یا دکترین نوع بشر همانطور که امروزه می‌گوییم. من فقط از زبانی استفاده می‌کنم که به مؤسسات ترجمه شده بود. خب.

بسیار خب، تباهی کامل، اصل بشریت، نیازی به گفتن حقیقت نیست، اما ما کاملاً تباه شده‌ایم. تصویر خدا در ما خدشه‌دار شده است. ما پر از غرور متعفن هستیم.

ما در حال شورش علیه خدا هستیم. و پسر، این سخته، خیلی سخته، می‌دونی، پیام ضدفرهنگ. چیزی در مورد این پیام می‌دونی؟ من از شما نمی‌خوام که لزوماً با کالوین موافق باشید.

از شما می‌خواهم که در مورد الهیات خودتان در رابطه با آنچه کالوین به ما می‌آموزد فکر کنید و بگویید، این چگونه با آنچه من فکر می‌کنم مطابقت دارد؟ آیا من موافقم؟ آیا من مخالفم؟ آیا برای من مفید است؟ آیا می‌توانم در این مورد با کالوین گفتگویی داشته باشم؟ می‌دانید، پس این مهمترین چیز است. خب، باشه. آیا ما با این موضوع مشکلی نداریم؟ باشه.

است. تمام خردی که ما داریم با شناخت خودمان و خدا آغاز می‌شود. این دو چیز به هم C آموزه خدا پیوسته‌اند. بسیار خب.

خب، حالا، اولین نکته در مورد آموزه‌ی خدا این است که او کلمه‌ی حاکم مطلق را دوست داشت. خدا پروردگار حاکم مطلق جهان است.

شکی در این نیست. اما او آنطور که طرفداران اصالت اسم (اسم‌گرایی) می‌گویند، پروردگار مطلق جهان نیست. او پروردگار مطلق جهان است و ما حاکمیت او را درک می‌کنیم.

ما حاکمیت او را درک می‌کنیم زیرا این حاکمیت در عشق، در عدالت، در وفاداری و لطف او نسبت به ما آشکار می‌شود.

بنابراین این یک حاکمیت مطلق نیست که او هر طور که بخواهد عمل کند، و ما هرگز دلیل آن را نخواهیم فهمید. این را برخی از نام‌گرایان (نومینالیست‌ها) آموزش دادند. نه، اینطور نیست.

این حاکمیتی است که به زیبایی از این طریق با ما مرتبط است. بنابراین این مهم بود. حال، جالب است که هنگام خواندن کتاب «مؤسسات» توجه کنیم که چگونه باید به خدا پاسخ دهیم. در اینجا انواع کلماتی که در پاسخ ما به آن خدا می‌خوانید، آمده است.

ما باید از خدا بترسیم. ما باید به آن خدا احترام بگذاریم. ما باید به خدا اعتماد کنیم.

بنابراین، فقط به این دلیل نبود که او حاکم مطلق است و حاکمیت خود را به این روش‌های شگفت‌انگیز نشان می‌دهد. به کلماتی که هنگام خواندن کتاب «مؤسسات» از جانب ما در پاسخ به این خدا به کار می‌رود توجه کنید: احترام، تکریم، ترس، عشق، اعتماد.

اینگونه است که باید سپاسگزار باشیم که فرزندان این خدا هستیم. بنابراین، واکنش ما به آن بسیار، بسیار مهم است. بسیار خوب، حالا نکته دیگری در مورد خود خدا، و آن این است که جلال خدا هرگز نباید به هیچ وجه خدشه‌دار شود.

شما همیشه باید جلال خدا را برجسته کنید. هرگز نباید کاری انجام دهید یا چیزی بگویید که جلال خدا را خدشه‌دار یا آسیب‌زننده یا انکار کند. بنابراین، فقط مزامیر را بخوانید و درباره جلال خدا بخوانید.

و بنابراین، او زیاد در مورد جلال خدا صحبت کرد. ما همچنین باید توجه داشته باشیم که آزادی خدا هرگز مختل نمی‌شود. خدا آزاد است زیرا او خداست.

بنابراین، شما هرگز نمی‌توانید آزادی خدا را خدشه‌دار کنید، علیه آن صحبت کنید یا در آن شک کنید. در واقع، همانطور که بعداً در مورد الهیات او خواهیم دید، خدا آزاد است که کسانی را که قرار است نجات یابند انتخاب کند. و او آزاد است که کسانی را که قرار است لعنت شوند انتخاب کند.

این آزادی خداست. شما هرگز نمی‌توانید آن آزادی خدا را خدشه‌دار کنید. شما هرگز نمی‌توانید آن آزادی خدا را بی‌ارزش کنید.

او کاملاً آزاد است زیرا خداست. ممکن است ما این آزادی را درک نکنیم، اما با این وجود، برای کالوین، او آزاد است. خوب، فقط یک نکته دیگر که می‌خواهیم در مورد خدا به آن توجه کنیم.

منظورم این است که، بدیهی است که می‌توانیم بقیه دوره را با کالوین در مورد خدا صحبت کنیم، اما چون این یک دوره آموزشی مقدماتی است، ما از مباحث عبور می‌کنیم. اما من عاشق تصویر خدا به عنوان خالق و نجات‌دهنده هستم. خدا خالق و نجات‌دهنده است.

و برای درک کامل خدا، البته فقط می‌توانیم او را در مسیح درک کنیم. مسیح وحی کامل خداست. این مسیح است که به ما کمک می‌کند تا ماهیت خدا را به عنوان خالق و نجات‌دهنده درک کنیم، زیرا مسیح خالق و نجات‌دهنده است.

بنابراین، درک او از خدا، درکی بدون مسیح از خدا نیست. او یک توحیدگرا نیست. بیایید به سروتوس برگردیم.

سروتوس درک توحیدی از خدا داشت. مایکل سروتوس را که در ژنو سوزانده شد، به خاطر دارید؟ او درک توحیدی از خدا داشت. خدا اینجاست.

ما اینجا پایین هستیم. یک شکاف بین این دو وجود دارد. البته این در مورد کالوین صادق نبود، زیرا بهترین درک ما از خدا زمانی است که به چهره مسیح نگاه می‌کنیم.

و مسیح خالق و نجات‌دهنده است، و این همان خداست. بنابراین، اگر می‌خواهید بدانید خدا کیست، به مسیح نگاه کنید. اینگونه است که ما به بهترین شکل خدا را درک می‌کنیم.

بسیار خوب، بگذارید یک دقیقه اینجا توقف کنم. خوب، با خدا شروع می‌کنیم.

متأسفم. ما با بشریت شروع می‌کنیم، و سپس تمام خردی که داریم با شناخت خدا و خودمان آغاز می‌شود. و ما به سوی خدا می‌رویم.

و هر چه بیشتر در مورد خدا بفهمیم، بیشتر در مورد خودمان خواهیم فهمید. و هر چه بیشتر در مورد خودمان بفهمیم، بیشتر در مورد خدا خواهیم فهمید. این یک دایره است.

خوب، آیا در مورد این حلقه‌ی شگفت‌انگیزی که اینجا در آن هستیم، سوالی دارید؟ این یک بیانیه و یک دستورالعمل است. او در حالی که موعظه می‌کند، به مردم می‌گوید که هرگز نباید با اعمالتان خدشه‌دار شوید. هرگز نباید با اعمالتان، با سخنانتان، با کردارتان، جلال خدا را خدشه‌دار کنید.

شما باید همیشه به یاد داشته باشید که در حضور جلال خدا ایستاده‌اید، و هرگز نباید کاری انجام دهید که به هیچ وجه از آن بکاهد. بنابراین این برای کالوین هم یک واقعیت است و هم یک هشدار. بله.

آره، روت؟ وقتی از اصطلاح «به معنای دیگر مسیح» استفاده می‌کنی، آیا منظور خدا همین است؟ مسیح وحی کامل خداست. بله. مسیح، ما خدا را درک می‌کنیم.

چگونه خدا را درک می‌کنیم؟ ما او را با نگاه کردن به چهره مسیح به طور کامل و بی‌نقص درک می‌کنیم. بنابراین، مسیح کلمه‌ای است که جسم شد و در میان ما ساکن شد. این وحی کامل و بی‌نقص خداست.

آره. یه چیز دیگه اینجا در مورد بشر و خدا هست، می‌دونی، اینجا یه جورایی چرخه‌ایه. خوب، همه‌مون باهاس. کنار او مدیم؟ باشه.

بله. بسیار خوب. بریم سراغ دکترین کلیسا، شماره چهار در طرح کلی شما، اما این نوع سوم دکترین است. دکترین کلیسا.

باشه. پسر، اینجا خیلی چیزها هست. اصول کلیسا.

بسیار خوب. بسیار خوب. اول از همه، از نظر کالوین، کلیسا هرگز کاملاً سقوط نکرده است.

کلیسا هرگز کاملاً سقوط نکرده است. کلیسا هرگز کاملاً از خدا دور نشده است. بنابراین، می‌بینید، کلیسا و کاری که کالوین انجام داد، تمایز قائل شدن بین کلیسای مرئی و کلیسای نامرئی بود.

خوب، بیاید این تمایز را قائل شویم. یک کلیسای مرئی و یک کلیسای نامرئی وجود دارد. بسیار خوب.

خوب، کلیسای مرئی چیست؟ کلیسای مرئی کلیسایی است که در اطراف خود می‌بینید. همان جماعتی است که صبح یکشنبه دور هم جمع می‌شوند. همان کلیسای سر‌نیش.

این کشیش، کاهن، در حال برگزاری مراسم عشاء ربانی یا شام خداوند است که شما موعظه‌های آن را می‌شنوید. اما کلیسای مرئی کلیسای است که شما می‌بینید، کلیسای که با حواس خود می‌بینید. این کلیسای مرئی است.

بسیار خوب. حالا، برای جان کالوین، خیلی مهم است که توجه داشته باشیم که آن کلیسای مرئی نقص دارد و ما این را خیلی خوب می‌دانیم، مگر نه؟ آن کلیسای مرئی یک سازمان انسانی معیوب است، و کاهنان بدی وجود دارند، و خادمان بدی وجود دارند، و افراد غیر روحانی بدی وجود دارند، و گاهی اوقات وقتی شخصی مسیحی می‌شود، و شما آن شخص را به کلیسا می‌آورید، کاری که می‌خواهید انجام دهید این است که او را از برخی از مقدسین کلیسا دور نگه دارید، زیرا برخی از مقدسین کلیسا وحشتناک‌ترین افرادی هستند که می‌توانید تا به حال ملاقات کنید. برخی از مقدسین کلیسا افرادی هستند که نمی‌خواهید آنها با آنها معاشرت کنند.

بعضی از افراد بیرون از کلیسا خیلی مهربان‌تر از بعضی از قدیسان داخل کلیسا هستند. بنابراین، کلیسای مرئی نقص دارد. شکی در این نیست.

او گفت، این یک کلیسای ناقص است. این یک کلیسای کامل نیست. ما این را می‌دانیم.

بسیار خوب، اما کلیسای نامرئی، کلیسای ناب است. کلیسای نامرئی بدن مسیح است، بدن صالح مسیح. ناب است.

این بدن پاک خدا اینجا روی زمین است. این کلیسای نامرئی است، درست است؟ و کلیسای مرئی شامل کلیسای نامرئی است. بنابراین، در کلیسای مرئی، کلیسای خالص را دارید.

آنجاست. بنابراین، من همیشه به دانشجویان می‌گویم، و به شما هم خواهم گفت چون پیشینه الهیاتی شما را نمی‌دانم. پیشینه کلیسای شما را نمی‌دانم.

نمی‌دانم حرف دلتان چیست. خیلی دوست دارم روزی این را بدانم. شاید در بحث‌هایمان، روزی مایل باشید. این را به اشتراک بگذارید.

اما مردم به محض اینکه مشکلی در کلیسا پیش می‌آید، مثلاً یک کشیش بد یا برخی افراد غیر روحانی باعث ایجاد مشکل یا تفرقه در صفوف کلیسا می‌شوند یا چیزی شبیه به این، خیلی سریع کلیسا را ترک می‌کنند. بنابراین، مردم به دلایل مختلفی کلیسا را ترک می‌کنند و مطمئناً کلیسا را ترک می‌کنند. و برخی از آنها دلایل موجهی برای این کار هستند.

تنها چیزی که به مردم می‌گویم این است که قبل از ترک کلیسای محلی یا قبل از ترک فرقه محلی خود، کاملاً خوب فکر کنند. ممکن است از آنچه در حال وقوع است ناراحت باشید، یا ممکن است اتفاقاتی در کلیسا رخ دهد که واقعاً خبر بدی باشد. اما در هر کلیسای، کلیسای نامرئی وجود دارد.

کلیسای ناب وجود دارد. هر کلیسای مرئی شامل یک کلیسای نامرئی است. بنابراین، آنجا خلوص وجود دارد.

گاهی اوقات، فکر می‌کنم کاری که باید انجام دهیم این است که مؤمنان همفکری را در کلیسا پیدا کنیم که می‌خواهند به جای اینکه به طور خودکار آن را ترک کنند، اصلاحاتی را در آن کلیسای محلی یا در آن فرقه ایجاد کنند. اما او این را عالی کرد؛ این توسط آگوستین ساخته شده است، و او آن را انتخاب کرده و برای

زمان و عصر خود می‌سازد. من فکر می‌کنم باید بیشتر در مورد کلیسای مرئی در مقابل کلیسای نامرئی فکر کنیم.

کلیسای نامرئی بدون شک کلیسای ناب است. و ما از کلیسای مرئی خیلی ناراحت می‌شویم، اینطور نیست؟ من که هستم. من قطعاً از کلیسای مرئی ناراحت می‌شوم چون کینه و تلخی و نفرت و چیزهای زشت زیادی در کلیسای مرئی وجود دارد.

اما کلیسای نامرئی همیشه وجود دارد. بنابراین می‌خواهیم این را به خاطر بسپاریم. شاید کالوین بتواند در اینجا به ما کمک کند.

خب، باشه. این یه نکته در مورد کلیساست. آگه کسی می‌خواد در موردش صحبت کنه، مطمئناً می‌تونه صحبت کنه.

خیلی دوست دارم بدونم فرقه‌هاتون چیه و سبک زندگی کلیساییتون چطوره. شاید در پایان دوره، مایل باشید اینو با من در میون بذارید. خیلی جالبه که بدونم چقدر با هم متفاوتیم.

بسیار خوب. حالا، کالوین گفت، اگر قرار است در زندگی‌تان سعی کنید آن را پیدا کنید، باید سعی کنید کلیسای حقیقی را پیدا کنید. شما کلیسای را پیدا خواهید کرد که فکر می‌کنید کلیسای عهد جدید است، کلیسای حقیقی.

نشانه‌های کلیسای حقیقی چیست؟ کالوین گفت دو نشانه برای کلیسای حقیقی وجود دارد. کلیسای حقیقی، کلیسای عهد جدید، باید این دو نشانه را داشته باشد. اگر این دو نشانه را نداشته باشد، کلیسای حقیقی نیست.

ممکن است هنوز مقداری خلوص در آن وجود داشته باشد و غیره، اما اگر اینطور نباشد، آن وضوح کاملاً واضح است. خب، بسیار خب. حالا، این دو علامت، هیچ چیز مهمتر از زبان کالوین در اینجا نیست.

خب، من این دو نمره را به شما می‌دهم. من واقعاً آنها را برای شما نقل قول می‌کنم چون کالوین در این مورد خیلی دقیق است. و تک تک کلماتش مثل یک وکیل است.

حتماً می‌پرسید، خب، منظورش چیست؟ اما به هر حال، باشه. اولاً، کلام خدا کاملاً موعظه می‌شود. کلام خدا در کلیسای حقیقی کاملاً موعظه می‌شود.

او نمی‌گوید که کلام خدا موعظه می‌شود. او می‌گوید کلام خدا صرفاً موعظه می‌شود، به درستی موعظه می‌شود. کلام حقیقت را به درستی تقسیم می‌کند، می‌داند. این اولین ویژگی است.

اگر متوجه شدید که کلام خدا صرفاً موعظه می‌شود، می‌دانید که کلیسای نامرئی را آنجا دارید، می‌دانید. کلیسای حقیقی. بسیار خب. پس، آنجا مشکلی نداریم؟ کلام خدا صرفاً موعظه می‌شود.

خب. مورد دوم، یعنی آیین‌های مقدس، به طور معتبر اجرا می‌شوند. آیین‌های مقدس، که منظور او از آنها غسل تعمید در شام خداوند بود، و ما قرار است به این برسیم، فکر می‌کنم درست در انتها، مگر به آیین‌های مقدس نمی‌رسیم؟ شاید باید به آن اشاره کنم.

خب، خواهیم دید. فکر می‌کنم بعداً به آیین‌های مقدس می‌رسیم. اما به هر حال، آیین‌های مقدس به طور معتبر اجرا می‌شوند.

بسیار خب. بنابراین، آنها باید همانطور که توسط مسیح وضع شده‌اند، اداره شوند. و البته، از نظر کالوین، اداره معتبر آنها به این معنی است که باید توسط یک کشیش منصوب اداره شوند.

شما نمی‌توانید افراد غیر روحانی را وادار کنید که آیین‌های مقدس را اجرا کنند و مردم را در آنها تعمید دهند. و ضمناً او فقط به تعمید در شام خداوند اعتقاد داشت. بنابراین، شما نمی‌توانید چنین چیزی داشته باشید.

خب، باشه. خب، این نشونه‌ی واقعی کلیساست. کلام خدا کاملاً موعظه می‌شه.

آیین‌های مقدس به طور معتبر اجرا می‌شوند. حالا، وکیل هست. وکیل هست.

هر کلمه مهم است. او به هر کلمه اهمیت می‌دهد. او در مورد هر کلمه صحبت می‌کند، می‌داند.

خب، وکیل داره میاد اونجا. خب، باشه. باشه.

ما قبلاً در مورد اینکه آیا باید کلیسا را ترک کنید یا نه صحبت کرده‌ایم. نمی‌دانم چیز بیشتری هست که لازم باشد بگوییم یا نه. آیا باید کلیسا را ترک کنید؟ خب، شاید باید چند نکته را بگویم.

آیا باید کلیسا را ترک کنید؟ قبلاً در موردش صحبت کردم، اما اشکالی ندارد. اول از همه، فقط خدا می‌داند. برگزیدگان چه کسانی هستند. شما نمی‌دانید برگزیدگان چه کسانی هستند.

بنابراین، اگر به ترک کلیسا فکر می‌کنید، ممکن است به ترک کلیسا فکر کنید زیرا می‌تواند به بدعت تبدیل شود و غیره. ممکن است هنوز افرادی باشند که خدا آنها را برای رستگاری برگزیده باشد. ممکن است هنوز افراد برگزیده‌ای در آن کلیسا وجود داشته باشند.

خب، این یک نکته در مورد اینکه آیا باید کلیسا را ترک کنید یا نه است. فقط خدا می‌داند برگزیدگان چه کسانی هستند. بگذارید دو و سه مورد را ذکر کنم، و بعد باید کمی استراحت کنم.

اما اجازه دهید به دو و سه مورد اشاره کنم. خیلی جالب است. کالوین ضد کاتولیک نبود.

کالوین مانند لوتر با کلیسای کاتولیک سلسله مراتبی مخالف بود. اما کالوین معتقد بود که یک کلیسای کاتولیک محلی ممکن است بخشی از کلیسای نامرئی باشد. ممکن است در آن کلیسای کاتولیک محلی خلوص واقعی وجود داشته باشد.

آن کلام می‌تواند به درستی موعظه شود، و آن آیین‌های مقدس می‌توانند به طور معتبر اجرا شوند. فقط خدا این را می‌داند. اما کالوین، مانند لوتر، کلیسای کاتولیک را محکوم نکرد.

کالوین، مانند لوتر، سلسله مراتب و ساختار کلیسای کاتولیک را محکوم کرد. اما کلیسای کاتولیک محلی در خیابان، نه کالوین و نه لوتر هرگز آن را محکوم نکردند. آنها معتقد بودند که این امکان وجود دارد که کلیسا بخشی از کلیسای نامرئی باشد.

بنابراین، کالوین و لوتر مانند بنیادگرایان آمریکایی امروز نبودند. امروزه بنیادگرایان آمریکایی وجود دارند که آنقدر ضد کاتولیک هستند که هیچ کاتولیک خوبی وجود ندارد. هیچ کاتولیک خوب و هیچ کلیسای کاتولیک خوبی وجود ندارد.

شما به هیچ وجه نمی‌توانید چنین ادعایی را در مورد کالوین و لوتر داشته باشید. در بسیاری از کلیساها کاتولیک، پروتستان و ارتدکس شرقی، کلیسای نامرئی وجود دارد، شکی در این نیست. بسیار خوب، باید این را هم ذکر کنیم که اگر کلیسا را ترک کنید، کالوین همیشه اینجا یک هشدار می‌دهد و آن این است که به یاد داشته باشید، خارج از کلیسا، هیچ رستگاری وجود ندارد.

بیرون از کلیسا هیچ رستگاری وجود ندارد. شما باید در کلیسا باشید تا پیام رستگاری و ایمان به مسیح و غیره را بدانید، بشنوید و سپس در آن زندگی بالغ شوید. بنابراین، بیرون از کلیسا، اصلاً رستگاری وجود ندارد.

بنابراین، کالوین در این مورد خیلی سخت‌گیر بود. شما نمی‌توانید رستگاری را خارج از کلیسا پیدا کنید. نمی‌دانم.

آیا باید اینجا موعظه کنم؟ بله، موعظه خواهم کرد. بسیار خوب، الان می‌خواهم موعظه کنم. دیگر درس نمی‌دهم.

من موعظه می‌کنم. بعضی وقت‌ها مرز باریکی وجود دارد. مثلاً در کالج گوردون، چون هفته‌ای دو یا سه بار به کلیسا می‌روید، هنوز هم باید یکشنبه صبح به کلیسا بروید.

شما به جمعی از مؤمنان نیاز دارید که با آنها احساس راحتی کنید تا بتوانید با آنها عبادت کنید، در مراسم عشاء ربانی و غسل تعمید و عشاء ربانی شرکت کنید و کلام خدا را که موعظه می‌شود بشنوید. شما به این نیاز دارید زیرا این اجتماع برای زندگی شما بسیار مهم است. چیزی که اغلب از آن بیشتر می‌ترسم، باید بگویم، چون در حال ضبط شدن است، فکر می‌کنم همین‌طور است.

چیزی که اغلب در مورد دانشجویان کالج گوردون از آن می‌ترسم این است که وقتی فارغ‌التحصیل می‌شوید، جمعی از مؤمنان را برای عبادت پیدا نمی‌کنید، زیرا ممکن است، می‌دانید، سال اول یا بیشتر، سال دوم، سال سوم باشید و هرچه بیشتر از اجتماع مؤمنان دور شوید، بیشتر از کلیسا خارج می‌شوید، که در آن کالوین گفت خارج از کلیسا رستگاری وجود ندارد، اما هرچه بیشتر از اجتماع مؤمنان در بدن مسیح خارج شوید، انجام این کار آسان‌تر می‌شود. و در نهایت، شما و عیسی و فقط خودتان هستید که کتاب مقدس خود را می‌خوانید و غیره. کالوین اصلاً این را باور نمی‌کرد.

شما به بدن مسیح نیاز دارید. شما به اجتماع مؤمنان نیاز دارید تا بدانید که شما چه هستید و خدا چه هست. بنابراین، من از شما التماس می‌کنم وقتی کالج گوردون را ترک می‌کنید، هر کجا که ساکن می‌شوید، یک اجتماع از مؤمنان پیدا کنید، یک کلیسای محلی پیدا کنید، می‌دانید.

لطفاً این کار را انجام دهید. این خیلی مهم است. خوب، باشه، حالا دارم موعظه می‌کنم، خوب، و من پنج ثانیه به شما فرصت ندادم، پس الان دارم انجامش می‌دهم.

پس فقط حرکات کششی انجام بده، استراحت کن، هرچی، می‌دونی. پنج ثانیه. تو لیاقت یه استراحت رو داری.

صبح دوشنبه است. اما خیلی دلم برایت نمی‌سوزد، چون چهارشنبه و جمعه، چهارشنبه و جمعه، قرار نیست استراحت کنی، بلکه در کتابخانه‌ای و مشغول مطالعه و خواندن کتاب‌هایت و همه کارهای دیگر خواهی بود. بنابراین چهارشنبه و جمعه به تو فکر خواهم کرد.

کسی اینجا از ویرجینیا هست؟ من در ویلیامزبرگ، ویرجینیا هستم. آنجا منطقه‌ی زیبایی است، و بنابراین اقامتگاه در ویلیامزبرگ، ویرجینیا است. خیلی زیباست، اینطور نیست؟ جای خوبی برای این کار است.

باشه، استراحتت رو کردی؟ باشه، یه کم دیگه اینجا می‌مونیم، و بعدش هفته‌ی خوبی داشته باشیم، و بعدش دوشنبه‌ی آینده می‌بینمت. باشه، راستش، ما هنوز تو کلیسا هستیم. هنوز از کلیسا بیرون نرفتیم، قصد جناس ندارم، ولی هنوز از کلیسا بیرون نرفتیم.

خب، چون ما باید در مورد خدمت در کلیسا صحبت کنیم، و شاید من فقط برای این کار وقت داشته باشم، و بعد باید در مورد مقدسات صحبت کنیم، و من برای این کار وقت نخواهم داشت، اما خدمت در کلیسا بنابراین. خدمت در کلیسا، دو کلمه وجود دارد که درک آنها واقعاً مهم است، کالوین، وقتی صحبت از خدمت در کلیسا می‌شود. خدمت در کلیسا، کلمه اول کشیش بودن همه مؤمنان است، کشیش بودن همه مؤمنان

حال، کهنات همه مؤمنان به این معنی است که همه مؤمنان می‌توانند به عنوان کاهن به یکدیگر خدمت کنند. من می‌توانم برای شما دعا کنم. می‌توانم گناهانم را به شما اعتراف کنم.

می‌توانم به شما نصیحت کنم. کشیش بودن همه مؤمنان به این معنی است که ما می‌توانیم کاهن یکدیگر باشیم. بسیار خوب، حالا کلمه دوم، دعوت یا فراخوانده شدن است.

هر مسیحی یک رسالت دارد. هر مسیحی یک رسالت دارد. رسالت فعلی شما این است که به عنوان دانشجو فراخوانده شده‌اید و اکنون در حال انجام این رسالت هستید، اما ما نمی‌خواهیم این دو را با هم اشتباه بگیریم زیرا کشیش بودن همه مؤمنان به این معنی نبود که شما می‌توانستید موعظه کنید یا بتوانید آیین‌های مقدس را اجرا کنید.

موعظه، اجرای آیین‌های مقدس و تفسیر کتاب مقدس، به یک رسالت خاص مربوط می‌شد. آن رسالت خدمت است، بنابراین گاهی پروتستان‌ها احساس می‌کنند که این مفهوم کشیش بودن همه مؤمنان به این معنی است که، اوه، من می‌توانم موعظه کنم، یا می‌توانم آیین‌های مقدس یا چیزی شبیه به آن را اجرا کنم، نه برای کالوین.

این بدان معنا نیست که چون از نظر کالوین، موعظه و اجرای آیین‌های مقدس با یک حرفه خاص خدمتی گره خورده بود. حال، آن حرفه کشیش یا کشیش هیچ فرقی با سایر حرفه‌ها، شاید معلم بودن یا مراقبت از خانه یا چیزی شبیه به آن، نداشت. هیچ فرقی با حرفه دیگر نداشت.

هیچ سلسله مراتبی از حرفه‌ها برای لوتر و کالوین وجود نداشت، اما به این معنی بود که مسئولیت‌های خاصی وجود داشت که فقط فرد در آن حرفه می‌توانست انجام دهد. بنابراین یک فرد عادی می‌تواند برای یکدیگر دعا کند، اما یک فرد عادی نمی‌تواند موعظه کند یا آیین‌های مقدس را اجرا کند. بنابراین این دو کلمه واقعاً مهم هستند.

بسیار خوب. نکته دیگری که در مورد خدمت باید به آن توجه کنیم این است که، تا جایی که به او مربوط می‌شود، کشیش، کشیش محلی در کلیسای محلی، اختیارات زیادی دارد و این شامل این نوع کارها می‌شود.

موعظه شامل آموزش، اجرای مقدسات، مدیریت، تأدیب عوام، تأدیب مردم کلیسا و خدمت بخشش می‌شود.

بنابراین، وقتی مردم به گناهان خود اعتراف می‌کنند، بخشی از خدمت بزرگ و اقتدار خدمتی که کشیش دارد این است که به آنها یادآوری کند که مورد بخشش خدا هستند. بسیار خوب. حالا، یادتان هست گفتیم، یکی از کلمات بزرگی که اصلاحات بر سر آن جنگید چه بود؟ آن کلمه تضمین بود، تضمین

بخشی از اختیارات یک کشیش این است که به مردم اطمینان دهد که آنها فرزندان خدا هستند. و خوب، این مسئولیت بزرگی برای انجام این کار است. بنابراین، کار کشیشی شامل بسیاری از چیزهای واقعاً شگفت‌انگیز بود.

خب، به طور کلی، کالوین گفت که دو دفتر کشیشی وجود دارد، و من فقط به این اشاره می‌کنم که بعد باید برویم. دفتر اول، دفتر کشیش است. بسیار خوب.

مقام دوم، مقام شماس است. کشیش کسی بود که موعظه و تدریس می‌کرد. شماس کسی بود که کار خادمان را در کلیسا انجام می‌داد.

بعضی از شما از کلیساهایی می‌آید که کشیش و شماس دارند، یا شاید مشایخ و شماس‌ها، یا شاید مشایخ و شماس‌ها. بنابراین، شما با آن زبان بسیار آشنا خواهید بود. بنابراین، این دو مقام بودند زیرا این دو مقام، تنها دو مقام برای کالوین بودند.

چرا؟ چرا فقط همین دو مقام را به رسمیت می‌شناسد؟ چرا؟ چرا بقیه را نه؟ چون این دو مقام را در کتاب مقدس خوانده بود. بنابراین، احساس می‌کرد که این دو مقام، اعتبار کتاب مقدسی دارند.

این صحبت دکتر راجر گرین در دوره تاریخ کلیسا، جلسه ۵ در مورد جان کالوین است.